

فرار دادند ولی به تسخیر آن موفق نشدند (۱) و خود مسجدی خان سخت مجروح شده هنگام شب از قلعه خارج شد و فردا عساکر انگلیس قلعه را خالی یافته به رقیب او خواججه پادشاه سپردند . و بعد ازان عسکر برطانیه جمع آوری تازه کرده بتاريخ ۸ اکتوبر برای جنگ با امیر و هواخوان او جانب چاریکار پیش رفتند؛ امیر که در نجر و از عسکر انگلیس شنید با مردمان نجرایی و دیگر طرفداران خود که قوای را تشکیل میدادند ، از عزم خود که میخواست از جناح عساکر انگلیس برآمده کالاه دره و با بافتشار طرف کابل حرکت کند و شورشیان آن حوالی را نیز با خود همراه ساخته غفلت بریای تخت حمله نماید ، منحصر ف شده برای مقابله با عساکر انگلیس ترتیبات گرفت . درین جایک نولی عسکر کوهستانی انگلیسها را ترک و با میر پیوست (۲) و بتاريخ ۱۵ اکتوبر عسکر انگلیس به قره باغ نزدیک شده و قلعه های با بافتشار و کاه دره را که اولی تعلق به درویش و دومی تعلق به ملک سیف الدین بوده و هر دو نفر بنا بر تحریکات مادر مددخان (خواهر امیر دوست محمد خان) که باقر آن شریف خانه بخانه گشته مردم را بطرفداری امیر تشویق میکرد قلعه را گذاشته بودند ، آتش زدند .

بتاریخ ۲۳ اکتوبر قوای جنرال سیل به آغا سرای که در آن وقت راه کابل بود مواصلت کرد . بروز ۲۸ اکتوبر امیر از نجر و حرکت نموده و در عرض راه تا (۵) هزار نفر دور او جمع شده بودند . شهزاده محمد تیمور نیز برای مقابله حرکت کرد و تا باغ علم پیش رفت امیر به پروان رسید برنس و موهن لال به قریه های مجاور برای جلوگیری مردم از ملحق شدن به امیر اعزام شدند و با صرف پول و وعده های زیاد مردم را از الحاق به امیر منع میکردند . امیر که نام جهاد را در بین مردم مشهور ساخته بود ، بیری آبی رنگی را بلند کرده و دستار سفیدی که علامه غزاست به سر بسته در صف اول تیراندازان اخذ کرده بود که موهن از زبان عساکر انگلیس هبست او را بهمین فرار حکایت میکنند (۳) حمله امیر بتاريخ ۲ نوامبر شروع شد (۴) قطعه سوار انگلیس شکست خورد و بمسجر پتسا بنسی (قریه نزر) سخت مجروح شدند . مستر لار د نمائنده سیاسی متعین سمت شمال و لغتینت بر د و فوت واجی ننت کرایسی مقتول گشتند ، امیر گشته شدن صاحب منصبان بر طائوی و شکست دشته سوار بر یثانی شدیدی را در بین عساکر انگلیس و در بار شهرزاده تیمور تولید کرد . بطوریکه برنس ساعت ۳ بجه شب به جنرال سیل مکتوب فرستاد که فوری عساکر را تا چاریکار عقب بکشند و فردا سیل عساکر را امر عقب نشینی داد (۵) زیرا

از فر به های عقب جبهه نجر و مطمئن نبودند و میترسیدند که قوای انگلیس

(۱) موهن لال : حیات امیر دوست محمد خان جلد ۲ صفحه ۳۴۰ و ما بعد .

(۲) موهن لال : کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۲۴۵ و ما بعد .

(۳) موهن لال : کتاب قبل الذکر صفحه ۲۴۶ و ما بعد .

(۴) موهن لال : کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۲۴۸ و ما بعد .

(۵) موهن لال : کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۳۵۰ و ما بعد .

در بین مردم شورشی گیر نیامده بکلی تباہ نشود درین وقت قرآنیکه موهن لال مینویسد (۱) به او خبر رسید که امیر در بین عسکر خود دیده نمی‌شود بلکه بیست نامعلومی حرکت کرده است و قوای او بی سر مانده اند و واقعا بسزودی معلوم شده که عساکر مجاهدین در حال پراکنده شدن میباشند. باهم قوای انگلیس این وضعیت را بکدام حال حربی تعبیر کرده چرکت آغاز عملیات را نداشتند تا آنکه بتاريخ ۴ نوامبر از مکنان مکروب فوری به جنرال سیل واکسندر برنس رسید و در آن از تسلیم شدن امیر به کابل اطلاع میداد. این خبر برای عساکر برطانیه بقدری غیرمنتظر بود که باوجود ملاحظه مکروب دستخطی مکنان آن را باور کرده نمیتوانستند زیرا آنها تسلیم امیر را انتظار نداشتند بلکه بیشتر به تباہی خود منتظر و پریشان بودند. رویداد فضا باهمین فرار بود ولی اینکه امیر چرا در عین فتح و کامیابی دقتاً از نقشه خود صرف نظر کرد ظاهراً خیلی پیچیده است مؤلفین انگلیس عقیده دارند که امیر از صداقت خوانین کوهستان اطمینان نداشت ازین رو اندیشه آنرا داشت که مبادا در صورتیکه با ایشان اعتماد کند او را دست بسته به دشمن تسلیم کنند. ازین سبب از کامیابی خود مایوس شده تسلیم را ترجیح داد. (۲) برخی دیگر از مورخین که صاحب سراج التواریخ نیز در آن شامل است (۳) میگویند امیر از وضعیت پراکنده کی لشکر انگلیس مطلع نبود از کامیابی خود در کوهستان بمقابل قوای بزرگ انگلیس مایوس شده و بفکر افتاد تا بطرف قبائل غلزامی رفته و در آن جا بخت آزمائی خود را تجدید کند چنانچه قبلاً پسرانش محمد آق - مظلم خان و محمد اکرم خان و شیره علی خان از غلزامی از محبس انگلیس فرار و داخل زرمت شده بودند آسودن امیر را با آن طرف مطالبه میکردند ازین سبب امیر بفکر رفتن بقسمتیکه از میان کابل باید بگذرد، لازم دید که کسی را خبر نکرده تنها و با لباس تبدیل حرکت کند بهر حال حقیقت اینست که امیر از پویشانی انگلیس ها و خوفی که دامنگیر ایشان شده بود، اطلاع نداشت و حتی به اهمیت جنگ پروان و تلفات انگلیس ها نیز ملتفت نشده بود و بنا بر آن خود را در یک حالت بحران میدید و در قوه خود که با قوای منظم انگلیس مقابله میکرد امید کامیابی را کمتر می یافت (و غافل بود از اینکه قوه یک ملت ولو که بی وسیله باشد نسبت به بزرگترین اردوهای منظم دنیا برتر است) و از طرف دیگر نظر به اقدامات سری برنس و جواسیس او در اردوگاه امیر یک فضای بی اعتمادی شدید و افواہات شکست افکن تولید شده بود که بیشتر امیر را از حقیقت خبر و واقعیت پویشان می ساخت علی ای حال طوریکه موهن لال حکایت میکند (۴)

(۱) موهن لال کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۳۵۲ تا ۳۶۰. این بیانات را علاوه بر موهن لال دیگر مؤلفین انگلیس نیز قید کرده اند کانولی - هنری دیورند - سیل - او - لارنس و غیره
(۲) او را زور نا میج جنرال آبات صفحه ۳۷ - لارنس در کتاب ۴۳ سال در هند مینگارد که مسجدی خان و دیگر سران ملی هر چند به امیر دوست محمد خان اطمینان میدادند که دره های کوهستان غیر قابل تسخیر است و میتواند در آن جا از دست انگلیس محفوظ بوده بار بار به اقدامات برنس دازد تا کامیاب شود اما امیر مطمئن نشد (صفحه ۴۰ - ۴۳).

(۳) سراج التواریخ جلد ۱ صفحه ۱۵۷ -

(۴) سراج التواریخ جلد اول صفحه ۱۵۷ -

اگر امیر فتح خود را در پروان تعقیب میسکرد و با افلا از میدان معاربه خارج نمیگشت انگلیس ها در کوهستان بیک شکست بزرگ مواجه میشدند و در کابل مامورین و صاحب منصبان انگلیس بعدی خوف داشتند که روی کار آمدن مجدد امیر دوست محمد خان را یک امر محتمل تصور کرده ترتیبات مدافعه شهر را گرفته بودند و حتی برخی هم بفرار بودند تا با امیر دوست محمد خان مذاکره کنند. چنانچه وقتی امیر دوست محمد خان نزد مسکنان رفته به حاضر باش او گفت که برایش بگویند امیر دوست محمد خان از ملاقات می خواهد. مسکنان پاسر اسیر می پرسیدند که چرا با عسکر با بدون عسکر (۱) یعنی مسکنان حتی ظهور امیر را در کابل نیز با قوای ملیش انتظار میبرد.

پس از روی این اوضاع مشاهده میشود که تسلیم امیر دوست محمد خان از اثر غلط فہمی بزرگی صورت گرفته بود که نه تنها روزگار استیلای اجنبی را در مملکت لا اقل یکسال دیگر طولانی ساخت بلکه خون هزارها نفر افغان را در قیام های ملی (که ازین پس هرگز فرو نه نشست) هدر گردانید و اگر چنانچه امیر با همان عزمی که از بخارا آمده بود مجادله را ولو در هر قسمت افغانستان دوام میداد شک نیست که بزودترین وقت انگلیس ها افغانستان را (که از همین وقت درک کرده بودند که قابل حفظ نمیشد و خواهی نخواهی از کف شان خارج شدنی است) ترک میگفتند و از شاه پوشالی خود که ازین زمان عدم کامیابی و مساعدت او را برای خود درک نموده بودند دست برداشتن و امیر دوست محمد خان را که پس از یکسال تجربه دانسته بودند که در آن وقت بگانه شاه قابل حکمرانی مملکت بود. پادشاه افغانستان تسلیم مینمودند.

پس کیف امیر دوست محمد خان که در نجر و از عساکر خود حتی از پسرش محمد افضل خان جدا شد. از راه دوسر تنها و بلباس تبدیل بعبت نائب سلطان بطرف کابل آمده سر راست جانب بالا حصار رفت و چون مسکنان درین وقت بقصد گردش بسواری اسب بر آمده و با صاحب منصبان میبیتی خویش نسبت به خیرهای جنگی کوهستان صحبت میسکرد امیر پیش رفته نائب سلطان را نزد مسکنان فرستاد و تا با او بگویند که امیر دوست محمد خان حاضر است و مسکنان که او را دیده از اسب فرود آمده و عزت کرد و با خود به بالا حصار در همان قصری که یکسال پیش امیر در آن دربار میسکرد بر دو چون از مقصد امیر که استشاره از مسکنان بود مطلع شد مشوره داد که شام شجاع را ملاقات کنند و وزارت او را پیشتر داما فرور امیر اجازه قبول این امر را ندارد انکار و درزید و به رفتن به هند با عائله خود حاضر شد و خانم مسکنان برای رهایش چند روزه او در بالا حصار ترتیبات گرفته و خانم او را که دختر ناظر خیر الله بود نیز اجازه داد تا به امیر ملحق شود و امیر بخواهش مسکنان برای شهزاده محمد افضل خان بیقام فرستاد تا از جنگ دست کشیده به او ملحق گردد و از طرف دیگر تمام اعضای فامیل او با ستنشای شیرعلیخان و محمد اعظم خان پسرانش که قبلا از غزنی فرار کرده داخل زرمت شده بودند و محمد اکبر خان که با عمو زاده گان خود به بخارا مانده بود از غزنی به کابل خواسته شده امیر به تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۸۴۰ ع اواخر (۱۲۵۶ ه ق) بمعیت کیتان و پیتز نکلسن از راه

(۱) موهن لال کتاب قبل الذکر جلد ۳ صفحه ۲۴۰ - ۲۶۰

افغانستان در قرن ۱۹ (۳۷)

جلال آباد بطرف هند حرکت و در پشاور فامیلش که به ۱۴۹ نفر بالغ میشد باو ملحق گشتند و از آن جا به سکنیکته فرستاده شد و سالانه سه لک روپیه معاش از طرف برطانیه برای او مقرر گردید ولی پس از چندی چون هوای سکنیکته به مزاجش موافق نبود به لوزیانه اقامت گزید و مقرر شد که در تابستان در لوزیانه بیلاق کند و زمستان به سکنیکته برود (۱).

و اینصورت هنگامی بزرگی که باظهور مجدد امیر دوست محمد خان از بخارا در سر ناسر افغانستان پیدا شده بود به تسلیم ناپسنگام امیر و اهزام او به هند ظاهر آرو به خاموشی گذاشت و جمع آوری های کوهستان و نجر و نیز پراکنده شد و جنرال سبل قلعه های مردم آن دیار را حریق کرد و یا به کله توب بست ساخت. پسران امیر که به زرمه رفته بودند بعد از آنکه از عزیمت امیر جانب هند آگام شدند دست از اقدامات کشیده به هند رفته به امیر ملحق شدند.

درین وقت انگلیس ها تصور میکردند که بالاخره نفس راحت کشیده میتوانند و دیگر اسباب پریشانی برای ایشان باقی نمانده خواهد بود زیرا مهمترین عنصری که مردم بدور او جمع میشدند از بین رفته و هم مردم با تسلیم امیر دوست محمد خان جرئت خود را بکلی از دست داده خواهند بود و دیگر کسی جرئت قیام را به مقابل انگلیس نخواهد کرد. اما به زودی معلوم شد که این فکر هم مثل سایر افکار ایشان خام بوده و ملت افغانستان را نشناخته بودند و نمیدانستند که این قوم برای آزادی خود میتوانند بدون فائده نیز قیام کنند و کامیاب شود.

فصل پانزدهم

علل و مقدمات شورش ملی کابل

درین وقت که خطر بزرگی که از اول ورود انگلیس ها باافغانستان همواره ایشان را تهدید می کرد یعنی امیر دوست محمد خان از بین رفت و مامورین انگلیس دست نشانده گان شان بجای آنکه فشار خود را از سر ملت کم بسازند و برای ترضیه خاطر ملت داخل اقدامات شده ترتیبات بهتری را روی کار بیاورند، بالعکس مفرورتر و بسی پرواثر شده، چنان تصور کردند که دیگر ملت افغانستان هرچه در توان داشت به مقابل آنها کرده و در همه اقدامات شویش ناکام گردیده است. پس از این بعد باید بکلی تسلیم باشد و انگلیس ها را آقای خود تسلیم کند چنانچه از یک طرف عمال ایشان از قبیل نظام الدوله وزیر دستان او میرزا امام وردی و سید حسن مستوفی، شدت بنای رشوت ستانی و مردم آزادی را گذاشتند و جانی که عرض مظلوم به آن برسد وجود نداشت و شاه رسماً میگفت که بنده اختیاری ندارم من صرف بنام پادشاه میباشم (۲) و از طرف دیگر برنس دولت روپیه دیگر از معاش خوانین درانی و غلزانی برای تسک افوی معاش عساکر جدید تشکیل خیبری و کوهستانی کاسته موجبیات نفرت مزید ایشان را جلب کرد. و خوانین که صدای شکایت بلند میکردند نظام الدوله

(۱) در این قسمت ها نوشته موهن لال و سراج التواریخ تقریباً بهم سر میخورد.
 (۲) موهن لال، کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۳۸۰ - ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸

بامر برنس ایشان میگفت که با خط وفاداری و اطاعت معلق بفرمانده و با از ملک استخراج میشوند . و در صورت قبول دادن خط وفاداری باز هم مالیات علاقہ برنس دو چند و سه چندین افزود میشد تا مصارف قوای انگلیس را بزرگ کنند . خوانین نیز بیک سبب ایشانکه افزونی مالیات را متقبل نمیشدند از مقام خود معزول و تبعید میگشتند چنانچه حمزه خان غلزنایی حاکم جلال آباد و امین الله خان لوگری (مجاهد معروف) بهین قسم موقعیت های خویش را از دست دادند .

گذشته از همه صاحب منصبان و افراد عسکر انگلیس بذای تجاوزات رایج مردم گذارشته بودند و برنس که قضیه به اورا جمع میشد ولو از طرف مسکنان برای روابط او با اهالی مأمور بود بازخواست نمیکرد چنانچه موهن لال منشی وقادار و دوست قدیمی او درین قسمت شخصا شهادت میدهد (۱) وضعیت شاه هم خوب نبود انگلیس ها که بفکر خود غائله گوهستان را بدون امداد مادی و معنوی شاه بقوه و تدبیر خود فرو نشانده بودند ، بیکر به شام امپری را قائل نمی شدند . وجود او را بکلی بی فائده میدانستند پس اختیارات بلکه اختیارات او را هم سلب نموده بودند ناراضی مردم خصوصا در زمستان ۱۹۴۰ (اوائل سال ۱۳۲۰ ق) که شاه به جلال آباد برای بیلاق رفته بود شدت اختیار کردن به زعمای شاه دو جلال آباد بود . اولین اعلام عکس العمل ملی بواسطه نشر فرامینی که از طرف شاه شجاع با ام بزرگان ملی برای تحریک آنها برخلاف انگلیس ساخته شده و امضای شاه در آن تقلید شده بود . عرض اندام نمود . مسکنان تن قضیه را از شاه پرسید و شاه از امضای خود انکار کرد . حق هم داشت زیرا بنا به تصدیق موهن لال و برنس و خود مسکنان شاه شجاع هیچک سو نمی به مقابل انگلیس نداشت بلکه با تمام تحقیقاتی که میدید ، انگلیسها را بیکانه حامی خود میدانست . مکتوبی که برنس از جلال آباد در اثر این فرامین جعلی به مسکنان در کابل نوشته مضمون آن این حقیقت و بسا حقائق دیگر را واضح میسازد برنس میگوید باز باشام ملاقات کردم - او احساس کرد که های خود را شرح داد و گفت که بیک نفر اعتمادی درین ملک ندارد و دشمنان او هنوز برنس اقتدار و تدبیر و مصارف او تأدیه نمیشود شاه از وزیر (نظام الدوله) بسیار شاکی در نسبت به اقتدار او رقابت حس میکنند . و عقیده دارد که او (یعنی شاه) از طرف ما (یعنی انگلیس) کم زده میشود و میگوید بد که بیکانه علاج و نظریه او رفتن مسکه (معظمه) است حتی در او درانه نسبت به جلال اقتدار او بیشتر بوده است . درینجا بیشتر اوقات او را جنگ ها اشغال میکند آنچه وقت این ملک آرام خواهد شد ؟ (۲)

اما اولین اثر بی نظمی که بعد از رفتن امیر دوست محمد خان پدید آمد ، در برین مردم غلزنایی حصارک بود که از سبب عزل حمزه خان از حکومت جلال آباد و تقرر پسر نظام الدوله بجای او آزرده شده به طغیان شروع کردند و به تیزین حمله نمودند . جنرال سیل از کابل برای رفع این غائله اعزام شد و او بر جمعیت کوچکی که بر سر راه اخذ موفع کرده آن ها را پراکنده ساخت و تصور کرد همین فتح کافیست ولی بزودی باز بدامش عودت نمود و ایند فعه هم

(۱) موهن لال ، کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۲۹۳ - ۲۹۵
 (۲) موهن لال ، کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۲۸۷ - ۲۸۸ ، کابل ۱۳۵۰ (۲)

زمامداران انگلیس اهمیت زیاد بان قائل نشده و به اعزام نماینده سیاسی که (مک گریگر) بود ، اکتفا کردند و او باسران قوم مذاکره کرد و ظاهراً به توافق رسید . مگر بازمم بزودی اوضاع مغشوش دزان حصه نمود کرد و این مرتبه علی محمد خان از طرف شاه شجاع برای مذاکره باخوانین اعزام شد و او که علت این باراضی مردم را دریافت که ازسبب قطع شدن معاشات و سلب رتبه های شان میباشد بدین آنکه با مردم از راه شدت پیش بیاید و باها کشتن معاشات خود را تقدیم نمود . اما انگلیس ها از این وضع اوبه برده شاه را وادار ساختند تا او را حبس کنند (۱) و مک گریگر دوباره باطرف حرکت کرده و با مردم نسبت به اعاده رتبه ها و برقراری معاشات شاه موافقه نمود . در همین زمان مسکاتین که از سرایت پروپا گند عمومی نسبت به فرامین جعلی شاه در بین مردم خصوصاً رؤسای درباری و قلزائی اطلاع یافته بود ، ذریعه متحد العالمی به تمام سران دزائی و غلزائی و غیره اطمینان داد که این آوازه که سران موصوف جلای وطن میشوند غلط است و بان گوش نباید داد و برحق بیعتی شاه و نماینده (مقصد مسکاتین است) اطمینان باید داشت و بعد از این موهن لال (۲) در کابل کار میکردند از قبیل ملا احمد برنج فروش هندوی وال مرزا امام وردی و میر حسن منتهی بیدادند که میخواستند باین وسیله آسیاب برپاشی انگلیس را فراهم ساخته بیشتر استفاده کنند و اگر روزی بر کرد بطرف مقابل هم خدمتی را اثبات نمایند والا بعد از رفع اغتشاش نسبت به صحت پیشگویی های خویش صله حاصل کنند (۳)

بهر حال در حقیقت هم وضعیت در این وقت خراب بود ، مردم نسبت به مال و جان خود اطمینان نداشتند ، سران ملی به کمترین سوءظن گرفتار و فرار میزدند ، بی بازخواستی بحدی بود که اگر کسی بکشی تجاوز میکرد و آن شخص در نزد انگلیس ها خصوصاً برنس که شخص رفیق درست بود (۴) توسل میجست ، صدای شخص طرف تجاوز از یکس انگیزه میدهد ، مامورین داخلی هم که وضعیت را باین قرار میدیدند ، دست به رشوه شتانی گشوده و نماندند تا جیب و بغل خود را پر میکردند . شاه دیگر کمترین اقتداری بر مالک نبود و خصوصاً بعد از آنکه از جلال آباد بازگشته و آن فرامین جعلی ایش شده بود ، انگلیس ها دیگر با و وقتی نمیکند داشتند و اگر نسبت به شخصی و یا کاری توجیه میکردند فساداً بر خلاف آن رفتار می نمودند .

از طرف دیگر مملکت از روز بروز فقیر شده میرفت و منابع داخلی برای سرقات عسکر انگلیس و دیگر حوائج روز افزون مملکت خصوصاً با در نظر گرفتن لشکر کشی های داخلی ، کفایت نمیکرد و فقر و فاقه روبه تزیاید بود . تمام این چیزها مقدمات یک بغاوت عمومی را فراهم میکرد و از ماه ستمبر (او اخر ۱۲۵۷ ه ق) علائم بغیام ملی بوضوح دیده میشد چنانچه سران بزرگت با هم علانیه مجلس ها میبگرددند و قرارها میدادند تا انگلیس ها بقرار قول موهن لال از این رویداد ها بیخبر نبودند بلکه مخبرین

(۱) موهن لال ، کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۲۸۸

(۲) موهن لال ، کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۲۸۹ - ۲۹۰ - (۳)

(۴) موهن لال ، کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۳۹۲ - ۳۹۸ ، ذکر ۲۰۰

و مخلصین شان چون واقعه ننگاران فوق الذکر و هم نایب محمد شریف خان چند او لی
 بایشان از تمام گواهی خبر میدادند (۱) ولی آنها که خود را در اوج اقتدار میدیدند و از نشئه
 قدرت مد هوش بودند به آن اهمیت ندادند. اصلاً تصور نمیکردند که یک توده بی دست و پاوی
 سر و سامان بتواند بمقابل یک حکومت قهار و مقتدر و یک اردوی مسلح و مجهز قدم کند.
 موهن لال که وسیله اخذ راپورهای مذکور بوده است و از رساندن آن به برنس ذکر میکند
 میگوید که مکتب تن و برنس از وضع مملکت خبر داشتند اما فرور شخصی و عدم موافقت ذات
 البینی شان در امور مملکت سبب شد که آنرا بی اهمیت انگاشته و وقت را از کف بدهند
 مکتب تن که درین روزها حاکم بمبئی مقرر و فکر عزیمت را داشت نمیخواست بواسطه اهمیت
 دادن باین گذارشات عزیمت خود را به تعویق بیندازد و برنس که آرزوی جانشینی او را داشت
 میخواست تا تقرر خود اقدامی نکند (۲) حقیقت اینست که در ماه ستمبر ع (او آخر
 ۱۲۵۷ هـ ق) سران ملی از قبیل عبدالله خان اچکزائی و امین الله خان لوگری که اوضاع را غیر
 قابل تحمل و آخرین امید و تسلی خود را که عبارت از شخص شاه شجاع بود و بنام یک پادشاه
 و افغان به اطاعت او باوجود همه وطن فروشی هایش هنوز خود را مقید و مکلف میدیدند
 که ملا ازین رفته می یافتند. بفرار اقدام عملی افتاده باهم عهد و قرآن کردند که برای
 بر انداختن یوغ اسارت اجنبی دست بکار بزنند و اگر چه به فدا کردن جان و اولادشان
 تمام شود. این لکه را از دامن مملکت مقدس اسلامی خود بردارند. چنانچه پس ازین موافقه
 دیگر رؤسا راهم چون سکندر خان، عبدالسلام خان، میر احمدخان، محمدخان، محمد حسین خان،
 عرض بیگی، حاجی علیخان و حاجی خان کو توال، میر جنید خان محمود خان بیات
 محمد عظیم خان پیشخدمت، ناظر علی محمد خان، میر آفتاب خان، میر حاجی خان (بن
 میر واعظ مرحوم)، میرسید خان، میر غلام قادر خان، آغا حسین خان تویچی باشی، اقوام
 دوست محمد خان اسحق زائی و پسران میر داد خان هوتک، ولی محمد خان میر آخور،
 اکبر خان خوابگاهی، عبدالرحمن خان عثمانلو در خانه عبدالله خان اچکزائی جمع شدند و پس
 از بیانات آتشین عبدالله خان که نسبت به ظلم و استبداد مامورین انگلیس و هواخواهان شان
 و بی اقتداری شاه و تباهی رعیت و نقصان دین داری و تجاوزات به شرف و ناموس ملی ایراد کرد همه
 متفق شدند که باید اقدام عملی فوری جهت خاتمه دادن باین اوضاع بعمل آید و در
 در اول فکر اکثر مجلسیان باین فرار گرفته بود که نزد مکتب تن رفته از او خواهش ملاقات
 نمایند و باین نام همه خوت رادر محضر او رسانند مکتب تن را بقتل برسانند بعضی دیگر نظر به
 داشتند که شروع اقدامات باید از آتش زدن فور خانه انگلیس ها باشد تا نهی دست شونده
 و فوقیت اسلحه شان از بین برود اما امین الله لوگری که شخص آزموده و تجربه کار بود
 گفت که این سخنان طفلانه است اول باید بخانه برنس و دیگر صاحب منصبان انگلیس که در
 داخل شهر است حمله کرده و بعد از آنکه در داخل شهر کسی از انگلیس ها نماند بامکنانین
 و دیگران که در بالا حصار و چاردهی میباشد مصاف بدهند این فکر از طرف عموم پذیرفته شد
 و همه عهد و پیمان رادر حاشیه قرآن نوشته امضا کردند و طرح پروگرام اقدام و تاریخ آغاز عملیات
 را به امین الله خان و عبدالله خان اچکزائی گذاشتند. (باقی در آئنده) س. فاسم رشتیا

(۱) موهن لال : کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۳۹۹
 (۲) موهن لال : کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۳۶۸